



<http://www.arianafghanistan.com>



به اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون
فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

۲۰۱۶/۰۳/۲۱

اول حمل ۱۳۹۵

اعلامیه نوری

نوروز، جاری در سیلاب های خون

افغانستان با سی هفت سال درد سی هفت سال بحران، با تن خونآلود وارد نوروز ۱۳۹۵ می گردد... کشور ما با تحمل تلفات مادی و معنوی از هفت خوان خون و نوروز گذشته است اما هنوز هم در خوان های تازه و تازه تر گیرمانده است. یک ماه و هفت روز بعد از نوروز ۱۳۵۷، مردم ما در آتشفشان فاجعه ثور علانده شد و این کودتا، به سرچشمه خون و سراغاز هرگونه تباهی و یورش های مستمر مبدل گردید... بعد از چهارده سال کشتار و بربادی، بالاخر قطع کمک ها از خارج و فشار از داخل، دولت دست نشانده، بدستور بخشی از بیروی سیاسی بوسیله جنرالان چهار ستاره حزبی، با چشمان پُت و سرهای خمیده، به بخشی از تنظیمهای جهادی دو دسته تسلیم داده شد { البته بر مبنای گرایشات قومی} و از این به بعد، تا چهار نوروز دیگر، همه آسیاب های مملکت با خون چرخانده شد { بوسیله همه تنظیم های جهادی} تا اینکه تنظیم ها بعد از ویران کردن کابل و کشتار هزاران هزار انسان، کابل و ویران را با فرار خویش، به طالبان تسلیم کردند تا جویبار خون، بی حرکت نماند. امارت طالبان به زور کیبل و قمچین، آزادی زن، نوروز، مطبوعات... و تکنالوژی مدرن را ممنوع و حرام اعلام نمود. جنگ را برای تسلط سرتاسری ادامه داد و جامعه را از جهات مختلفه به حفره های خونین قرون وسطی راند...

امارت طالبان سقوط کرد و اداره کرزی بوسیله ده ها کشور خارجی بویژه امریکا تأسیس گردید. حافظه مردم که بر از ضربات خونین و سرکوبگرانه خلقی، پرچمی، تنظیمی و طالبی بود، اینک لایه های دیگری از فاجعه و تباهی برویش گشوده می شود. در میان ده ها نوع آزادی های فرمالیته، نوروز نیز سر از غار های ممنوعه بیرون کرد. جشن آسیب کشیده نوروز در آخرین روز های حامد کرزی تا تپه پغمان نیز رسید. حامد کرزی طی سیزده سال پادشاهی، در هر نوروز طالبان را برادران ناراضی نامید و توجه طالبان را به ارزش های سال نو و نوروز فرا میخواند و طالبان نیز با ارسال انتحاری های بیشتر، گسترش مین گذاری ها و حملات بهاری، دهن دولت و رئیس جمهور را با

مس، سرب و باروت تا سخنرانی های سال دیگر، خاموش می ساختند... نوروز در افغانستان، از طرف طالبان به نماد جنگ های بیشتر و خونینتر تبدیل ساخته شده است.

دولت ریشخند شده و حشت ملی، بر شانه فساد، چپاول و تقلبات انتخاباتی بوجود آورده شد. مردم میدانند که این دولت، مرده تولد شده است. این دولت با سوءمدیریت، فساد گسترده، کشمکش ها روی چوکی ها، وابستگی غلیظ و ده ها مرض مزمن دیگر مصاب است، و اضافه بر اینها با پدیده جدیدی بنام داعش نیز مواجه می باشد. مردم بیاد دارند که چرا امریکا که با بیش از صد هزار عسکر و افسر ممالک، به افغانستان هجوم آورد، افغانستان را به ویرانه تاریک و به جایگاه جشن خفاشان تبدیل کرد، مردم ما و بشریت مطلع هستند که امریکا ظاهراً بخاطر رسیدن به سه هدف عمده با طیارات بی ۵۲ خود طالبان را از صحنه قدرت سیاسی بیرون انداخت:

نابود کردن تروریسم (طالبان)

نابودی تریاک

ایجاد دولت مدرن سالم

اما چرا بعد از چهارده سال، طالبان بجای اینکه نابود شوند هنوز هم مست و قویتر ساخته شده اند، تریاک نه تنها نابود نشد بلکه هر سال گراف تولید آن بالا برده شد، بجای دولت مدرن سالم، دولت قومی و تنظیمی پیشا مدرن را با مسخره آمیزترین شکل آن ایجاد کرد...

سال ۱۳۹۵، از زمستانش پیداست. گراف خشونت طالبان رو به بالاست و ارگ نیز خودش به خزانه مرگ و توطئه تبدیل شده است. پای داعش از ولسوالی اچین به میمنه رسیده و این نیروی پروژه یی، مطابق نقشه منطقی، برای ایجاد خلافت خراسان، آستین بر زده است. پرسش این است که افغانستان با داشتن: یک دولت ضعیف و رسوا که فقط روی تقسیم چوکی ها گرم زدو خورد اند، چگونه می توانند در سال جدید در مقابل جنگ های بهاری طالبان و داعش ... ایستادگی نمایند؟ در وضعیت اسفناک کنونی آیا می توان حدس زد که افغانستان در سال جدید به کدام سو می رود؟

چند احتمال ممکن:

۱. صلح با طالبان: درین پروژه این احتمال موجود است که عده ای از مهره های سوخته و تاریخ تیرشده طالبان {مانند ده ها چهره سرشناس طالب که طی ۱۴ سال در کابل موجود اند} به بدنه دولت اضافه شوند و دولت وحشت ملی بیشتر از پیش ضعیف و خالی تر ساخته شود.

۲. نیروهای جنگی و جوان طالبان با داعش ادغام گردد یا اینکه مطابق پروژه داعش، موازی با داعش، در جنگ افروزی بگونه هماهنگ سهم بگیرند. البته بخش های از دولت نیز در پروژه های منطقی ذیدخل میباشند و طالبان را تجهیز و حمایت مینمایند. {ظاهر قدیر وکیل در پارلمان، اظهار داشته که کسانی در ارگ هستند که داعش را در ننگرهار تقویت می کنند}

۳. ضعف شبکه ای دولت {که خودش به حیث یک پروژه همین گونه دیزاین شده است} تا آنجا ادامه یابد که موجبات جنگ داخلی (جنگ قومی و تنظیمی) را فراهم سازد. اصطکاک بین تنظیمها و تکنوکرات های دولتی و مافیای مواد مخدر، گروه های مختلفه... هیزمی است که می تواند در نبود یک دولت مقتدر، جنگ داخلی را فروزان سازد.

۴ . داعش به حیث یک نیروی جنگی، یک پروژه ناکام است و در افغانستان بدلیل مختلفه ای نمی تواند مثل طالبان تا مدت های طویل، بحران بیافریند و به آنسوی آمو خیز بزند. اما داعش می تواند با استفاده از ضعف دولت، دریای امور را از خون بیگناهان سرخ بگرداند.

۵ . احتمال تکان خوردن مردم و اهل درد و آگاهی

چون مردم ، اهل سواد و تحصیل، سیاسیون آگاه و دلسوز افغانستان به ستوه آمده اند، امکان این موجود است که از درون این خاکستر ها و آتش ها ققنوسوار برخیزند. تمامی نیروهای سالم، آگاه و عدالتخواه، دست بدست هم داده و یک نیروی پرقدرت و نجاتبخش را ایجاد نمایند نیرویی که بتواند به : دولت های ضعیف، تریاک، فساد، خودکامگان افراطی نقطه پایان بگذارد. همین اکنون در کابل و برخی از نقاط کشور، شخصیت ها و نهاد های معترض، خیزش ها و اعتراضات کتلوی وجود دارند اما اگر این ظرفیت ها برای حفظ کشور و حیثیت خود و مردم، متحد نشوند، نوروز های خونین دیگری را شاهد خواهیم بود.

هیچ نیرویی نمی تواند ملت متحد را نابود سازد، اما ملتی که توتۀ توتۀ باشد به عامل بیرونی دیگری نیاز ندارد تا نابودش کند ، پراگندگی خودش کافی است تا آهسته آهسته به زوال برسد. ما درست در همین نقطه یعنی زوال تدریجی قرار داریم اگر بخاطر اتحاد ، کار نکنیم و ملت را به ملت متحد تبدیل نسازیم، آینده افغانستان یک آینده تاریک و خونین باقی خواهد ماند.

هیأت اجرائیة

فدراسیون سازمان های پناهندگان افغان در اروپا